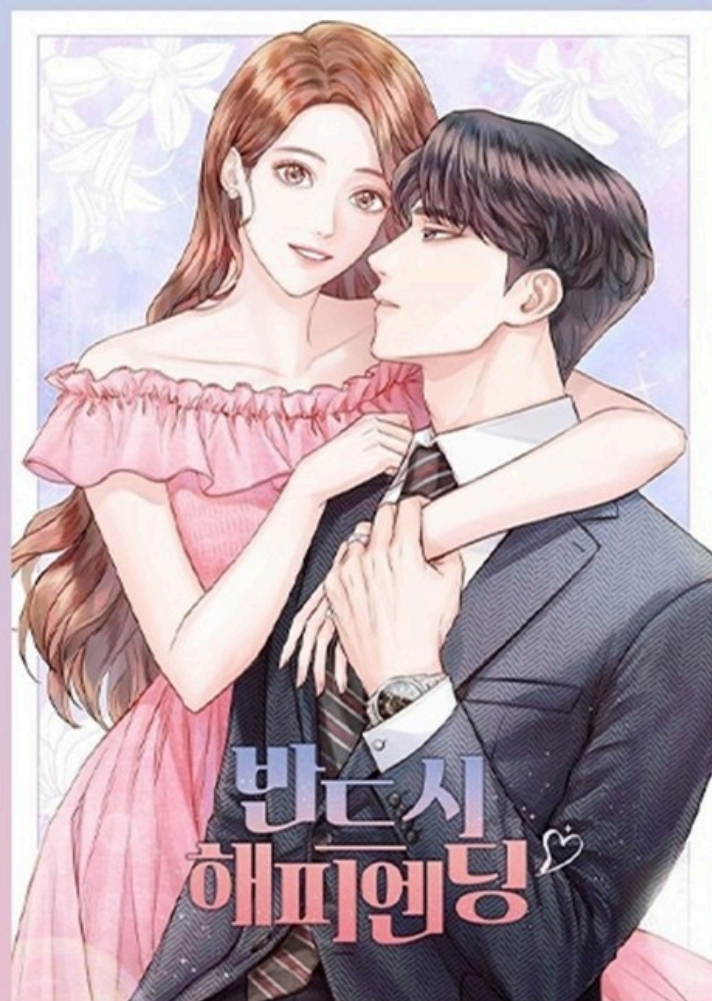




IRISEKAI



T.me/IrisSekai



instagram.com/IrisSekai

Evermore مترجم:

Mozhgan کاپتر:

ly تایپيست:

می دونی داری چکار می
کنی؟



چرا فقط همه چیزو فاش
نمیکنی

« از وقتی من ۶ سالم
بودم ازم سوءاستفاده می
کرد! اون هر روز من رو
کتک می زد! »



«اون هر روز منو می
زد!»





« بفاتراوک سونگ هیه
وقتی راهنمایی بولام بهم
حمله شر. »

TURN



چرا این حرف ها رو توی
کل شهر جار نمی زنی؟

WHOOSH





یون وو... از ۶ سالگی
ازش سواستفاده میشد؟

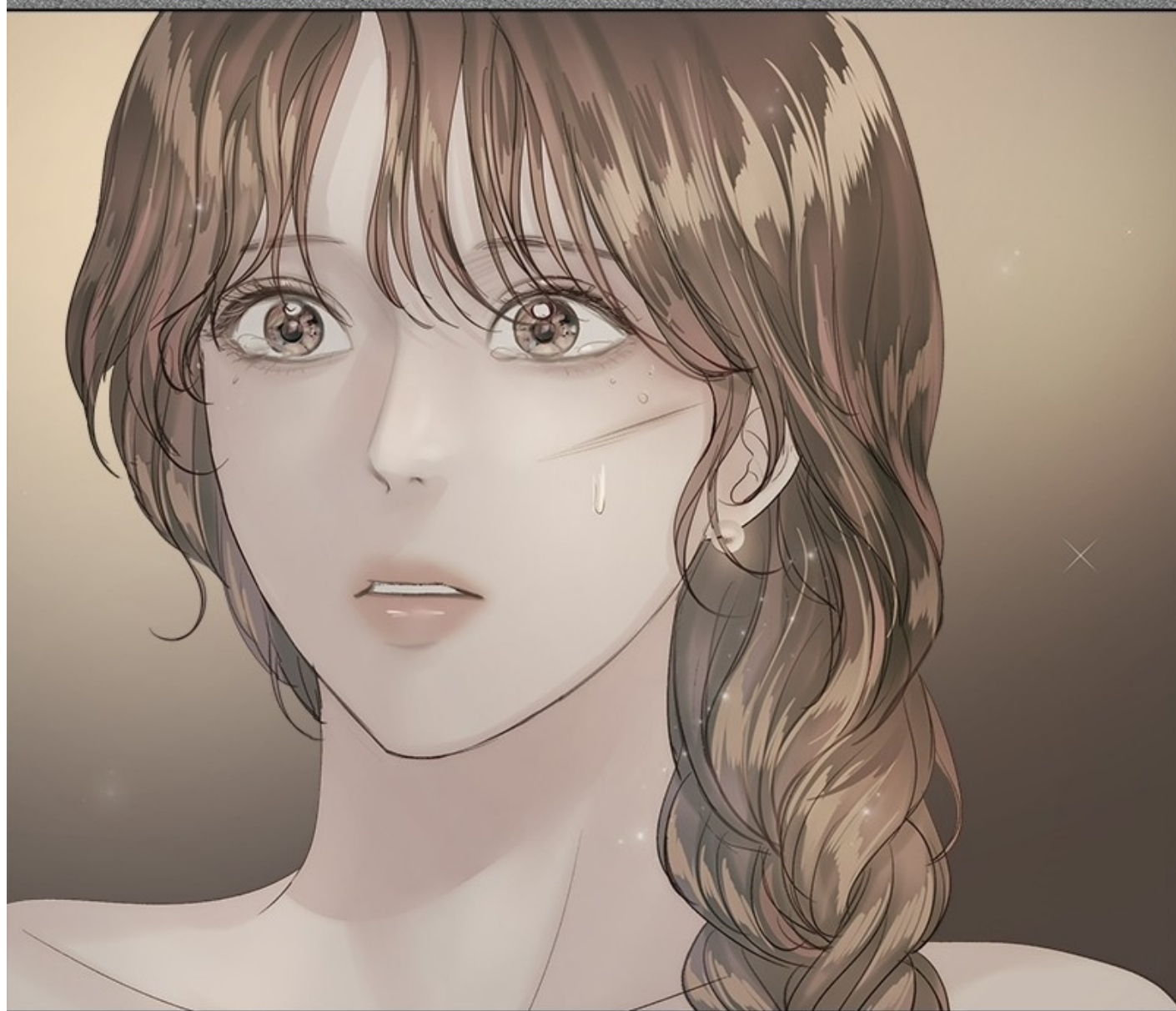
SLAM



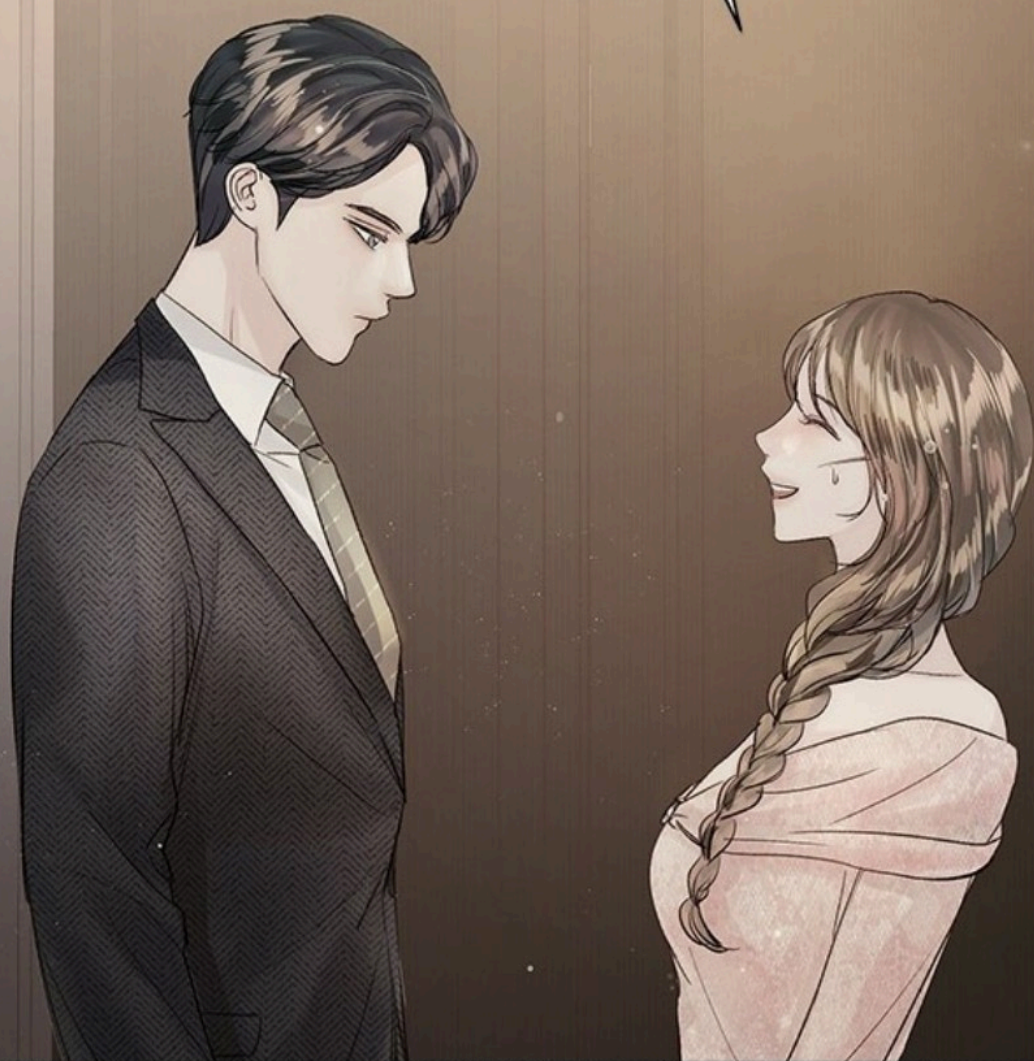


يون 49!





من خوبم. به هر حال درد
نمیکنه.





TEARY

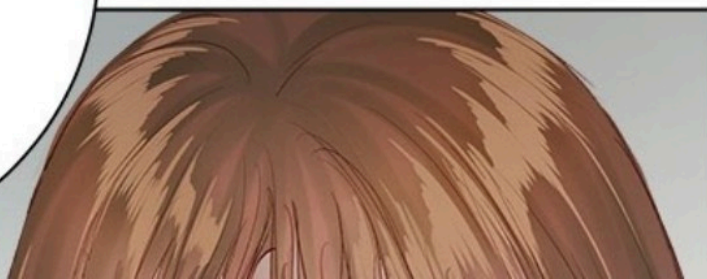
تو...

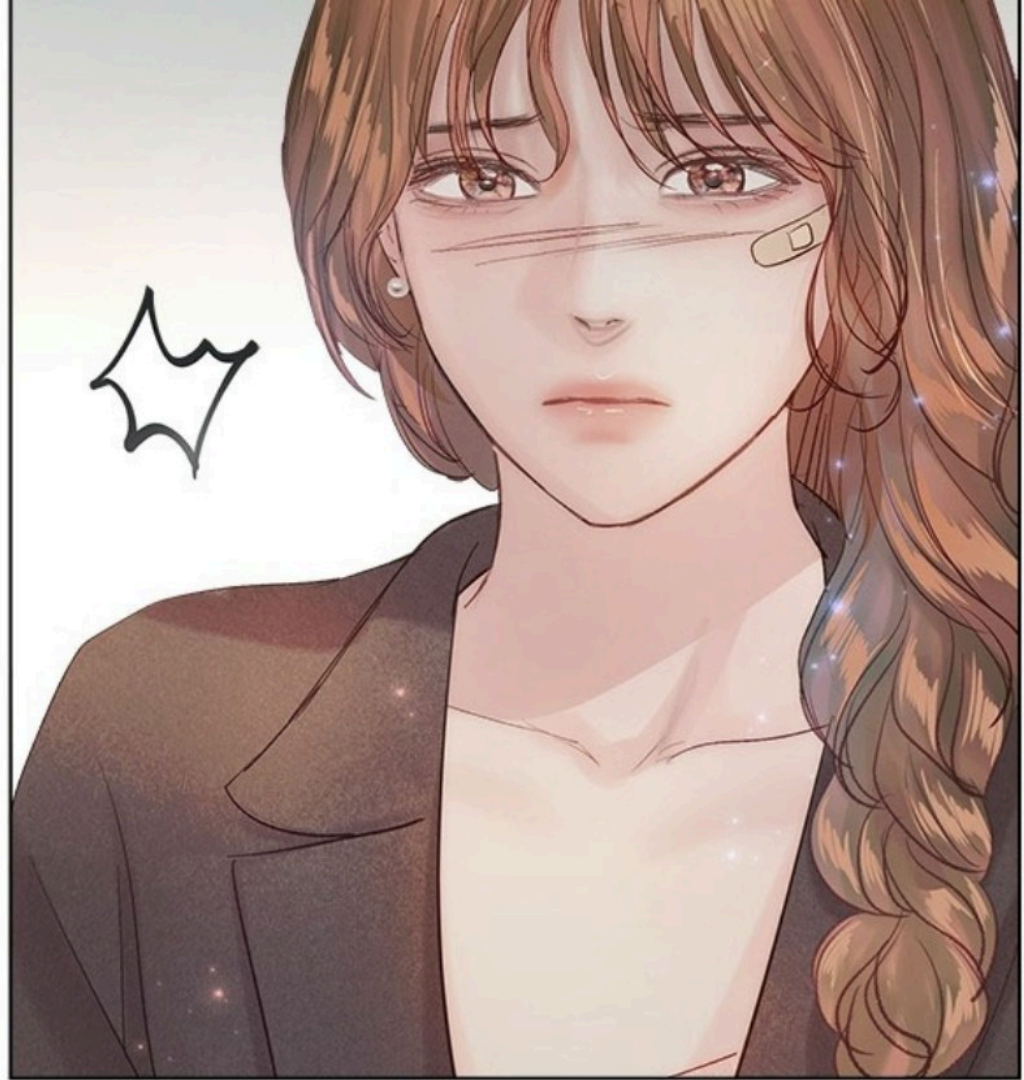
تو باعث میشی کسایی که
دوستت دارن آدم های
بدی بشن.



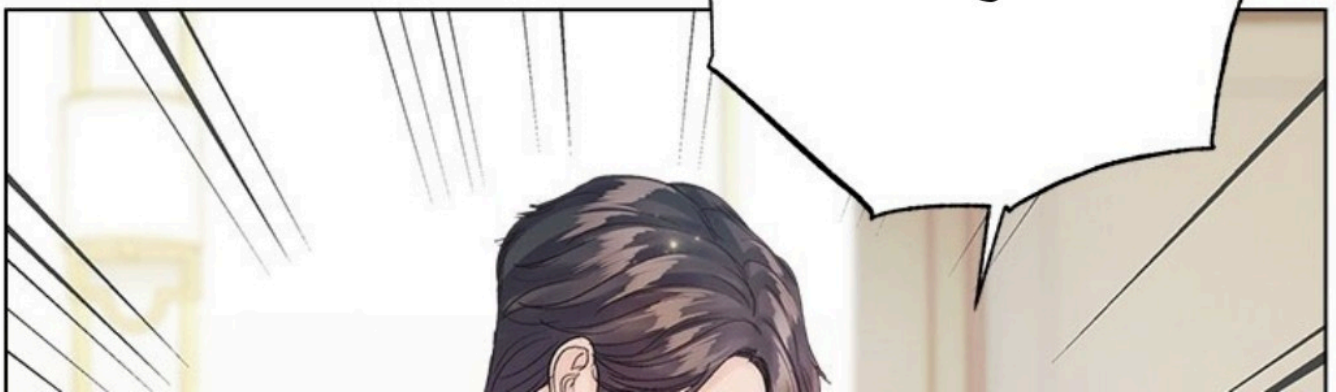


تو باعث شدی مادرت آدم
بدی باشه.



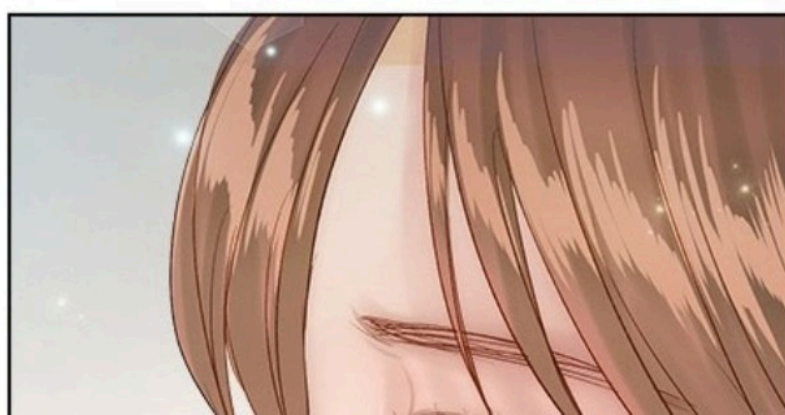


پی > اری می گی؟
من....!!





تو باعث شدی اون به این
حقیقت که دخترش برای
۱۰ سال اذیت شده بی
توجه باشه.





تو باعث شدی که سرش
رو جلوی اون حرومزاده
ها خم کنه درحالی که
هیچی نمی دونست.

این یعنی یه دختر خوب؟

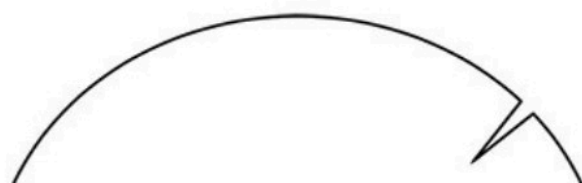




من نمی گم راهی که
رفتی اشتباهه

می دونم این بهترین
تصمیمی بود که تو اون
زمان می تونستی بگیری

SLIDE

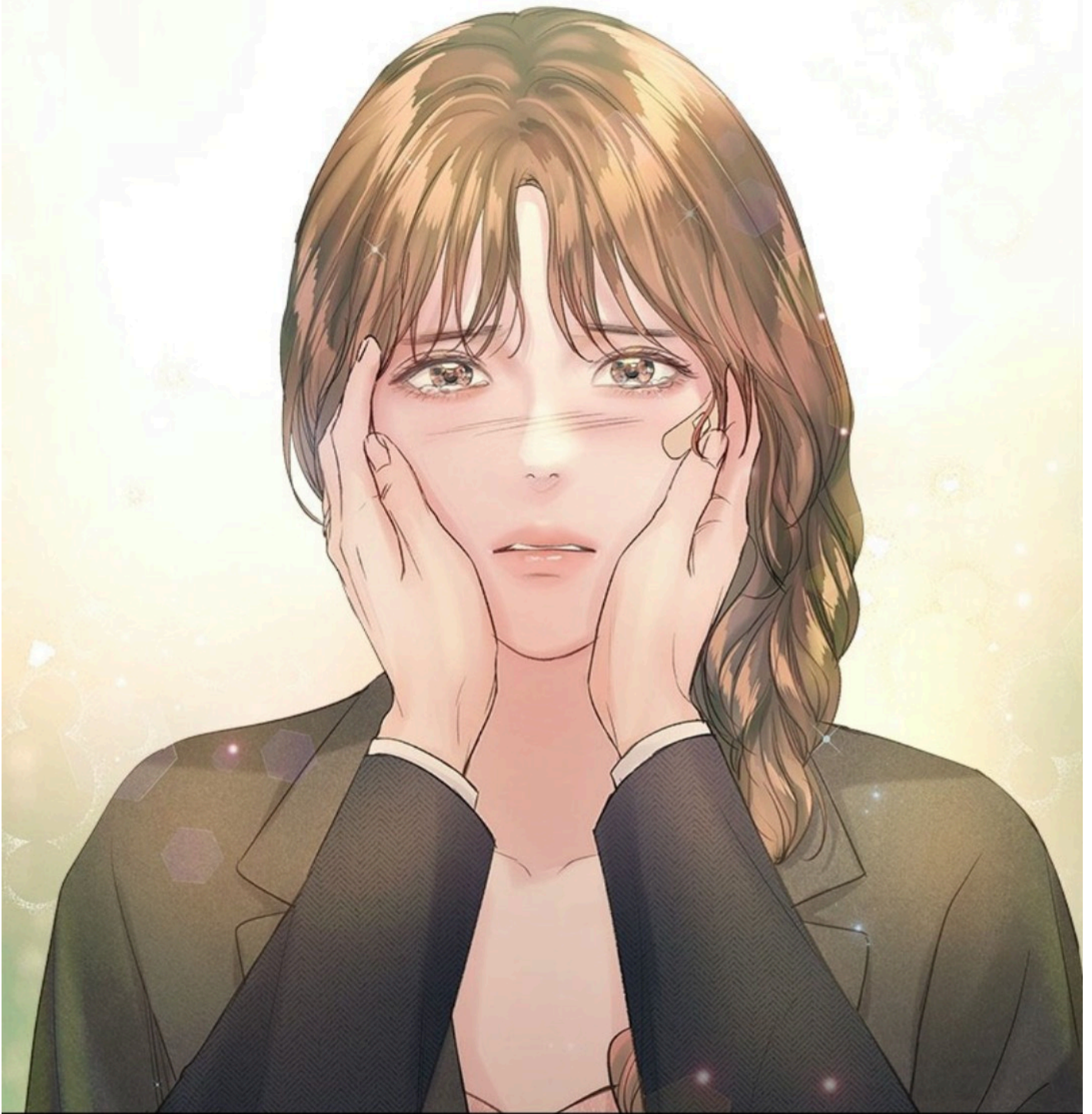


اما تو الان از گذشته عبور
کردی.



این یعنی تو

باید تغییر کنی.

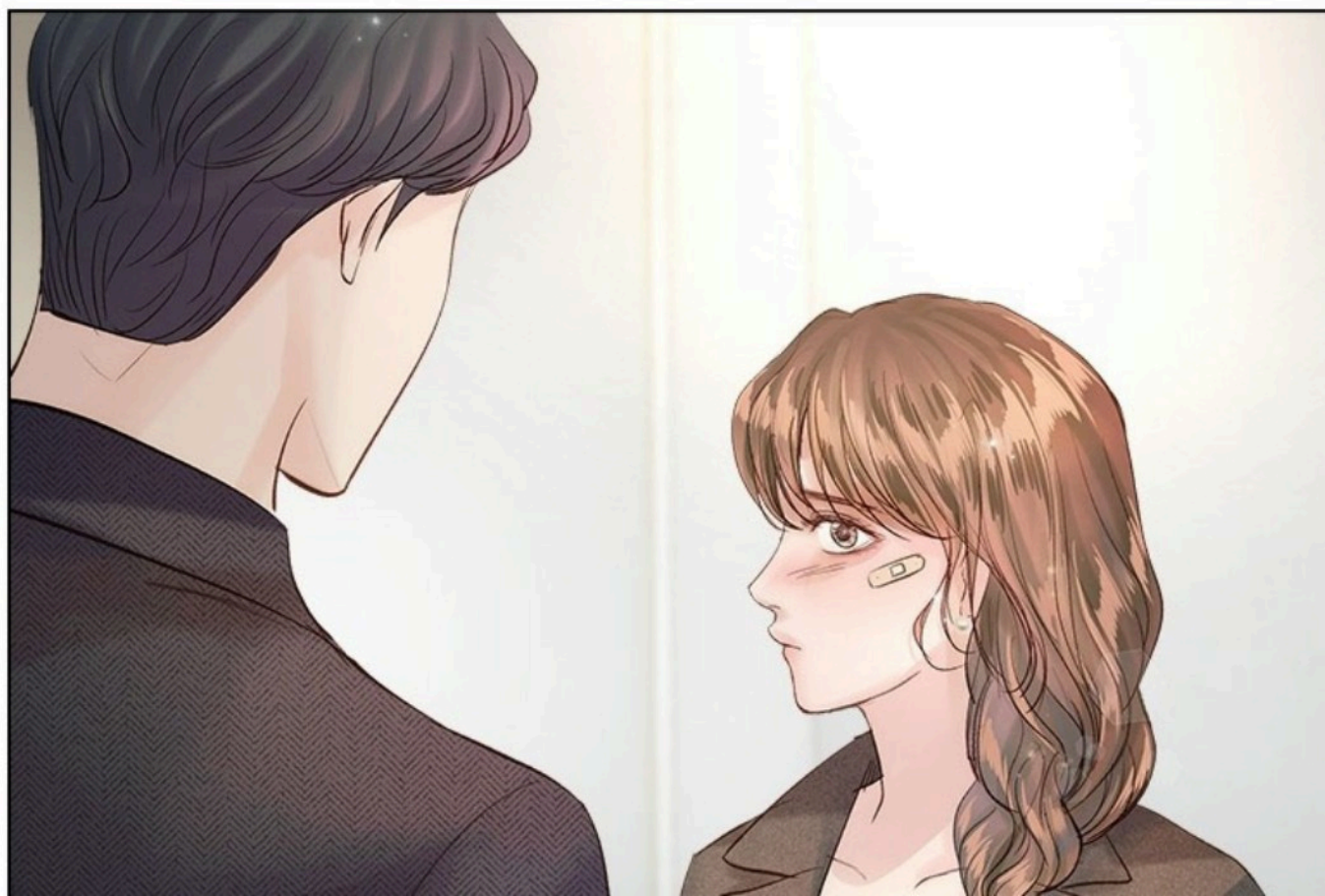


مگه تو....



از آهن ساخته شدی؟









A close-up illustration of a person's torso, wearing a light-colored dress shirt and a brown patterned tie. The background is dark and textured.

چیزی که الان، واقعا باید
ازش مراقبت کنی خودته.

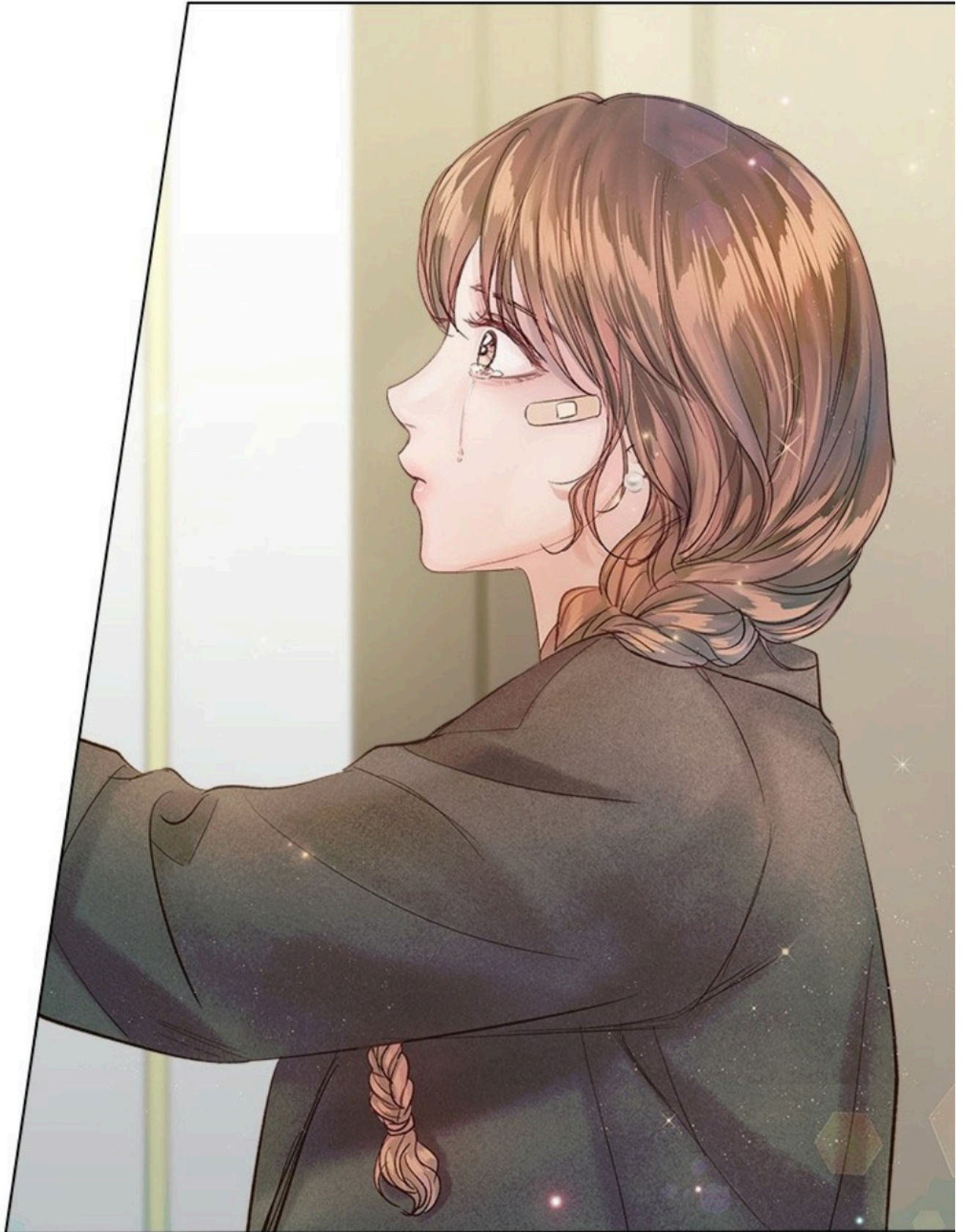
An illustration of a person's head and shoulders from behind. They have long, dark, wavy hair. The background is a light, hazy landscape.

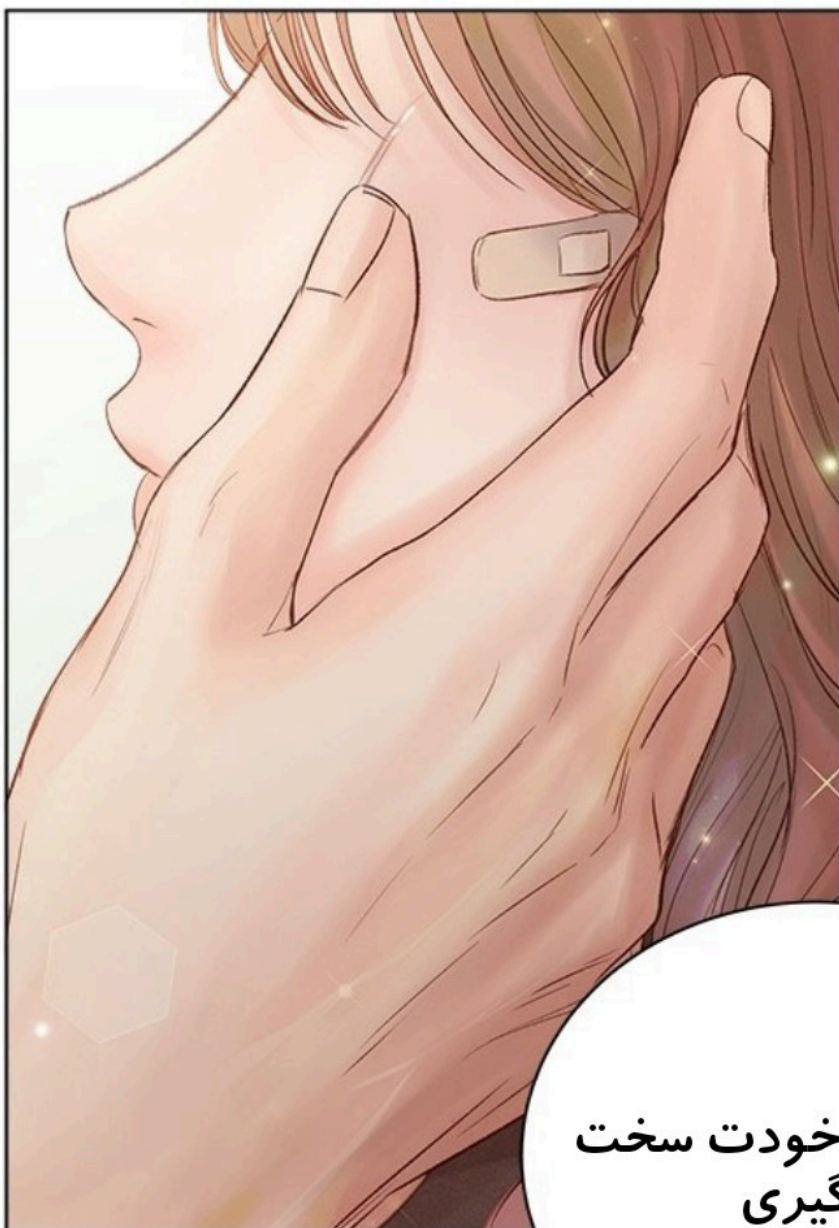
نه سلامتی من.



نگران آینده ی من نباش
وقتی که هنوز چیزی
نشده.

تو اون کسی هستی که
داره آسیب میبینه





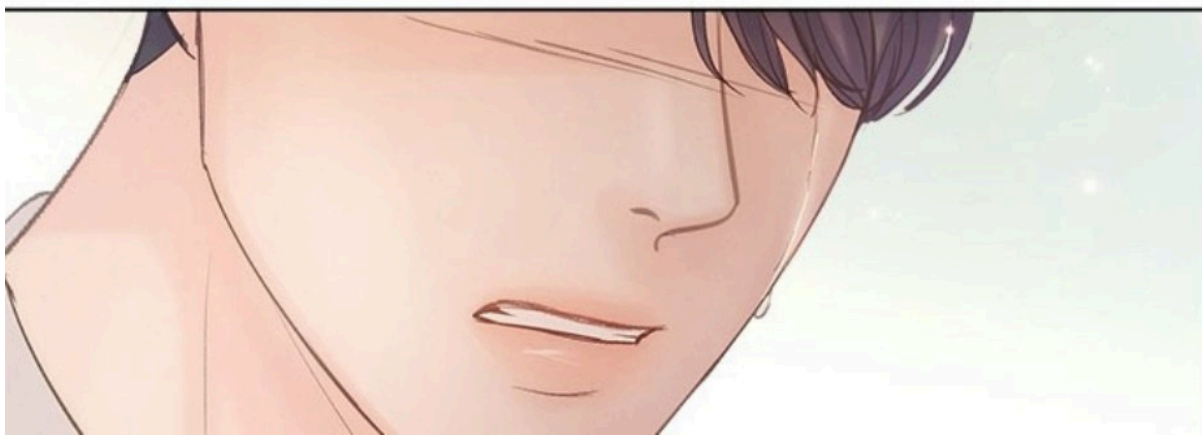
تو خیلی به خودت سخت
میگیری

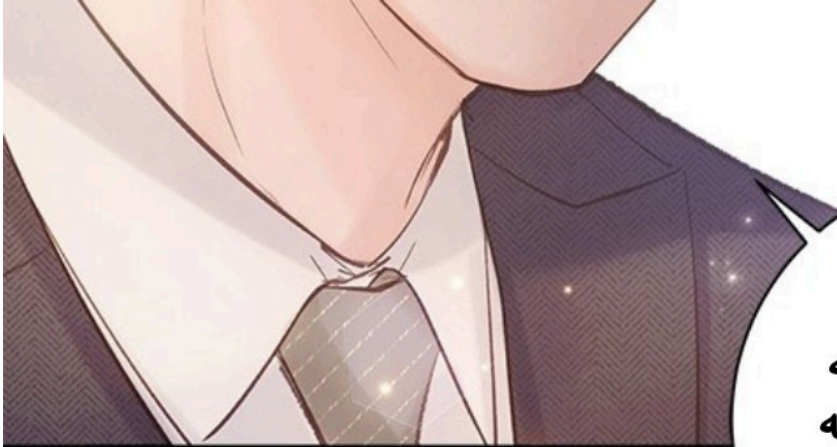
« درد نمیکنه، حتی اگه
آسیب دیده باشم. »



« من ناراحت نمی شم،
حتی اگه بهم توهین
کنن. »

« من درد نمی کشم. »





اینا حرف هاییه که
خودت رو مجبور به
قبولش کردی.

تو این احساسات رو از
گذشته تا الان تو خودت
ریختی و نگهش داشتی.





واقعا فکر می کنی که
حالت خوبه؟

یون وو



من واقعا

دوستت دارم



مردم متوجه چیزی
نمیشن مگر اینکه
باهاشون حرف بزنی

و تو هم چیزی رو تا به
خودت نگي نمی فهمی.

اگه سعی کنی اینا رو
پیش خودت نگه داری
فقط خودت رو داغون
می کنی.

من صادقانه عاشقتم.

KISS



اما تو نمی دونی که چقدر،
لایق دوست داشته شدنی





تو باید بیشتر خودت رو
دوست داشته باشی.

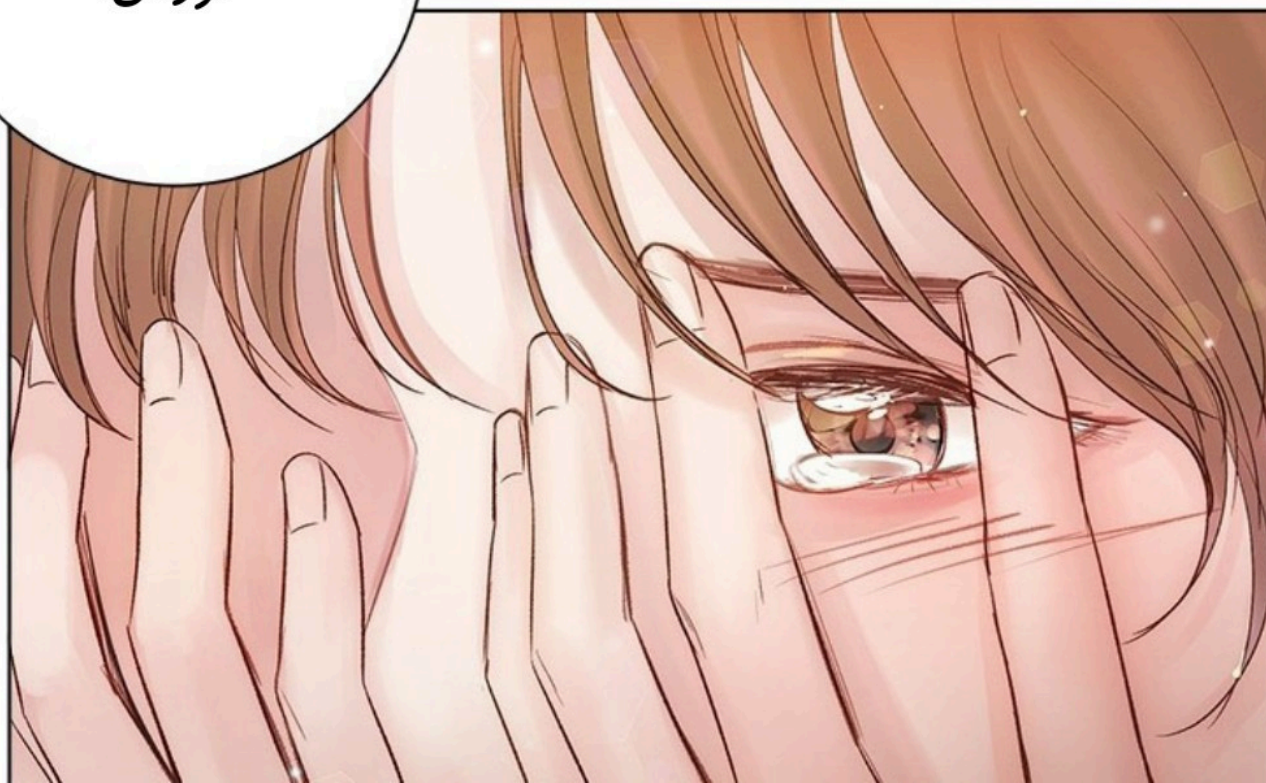


تو می تونی همه چیز رو
به من بگی





درباره اینکه چقدر ضربه
خوردی.



چقدر درد داشتی

چون من ازت محافظت
می کنم.





من داشتم درد می کشیدم....



معلومہ کہ درد ہی کر
وقت کی کہ کتک می خوردم.



من هم آدمم.



من فقط نمی تونستم

به هیچ کس بگم....

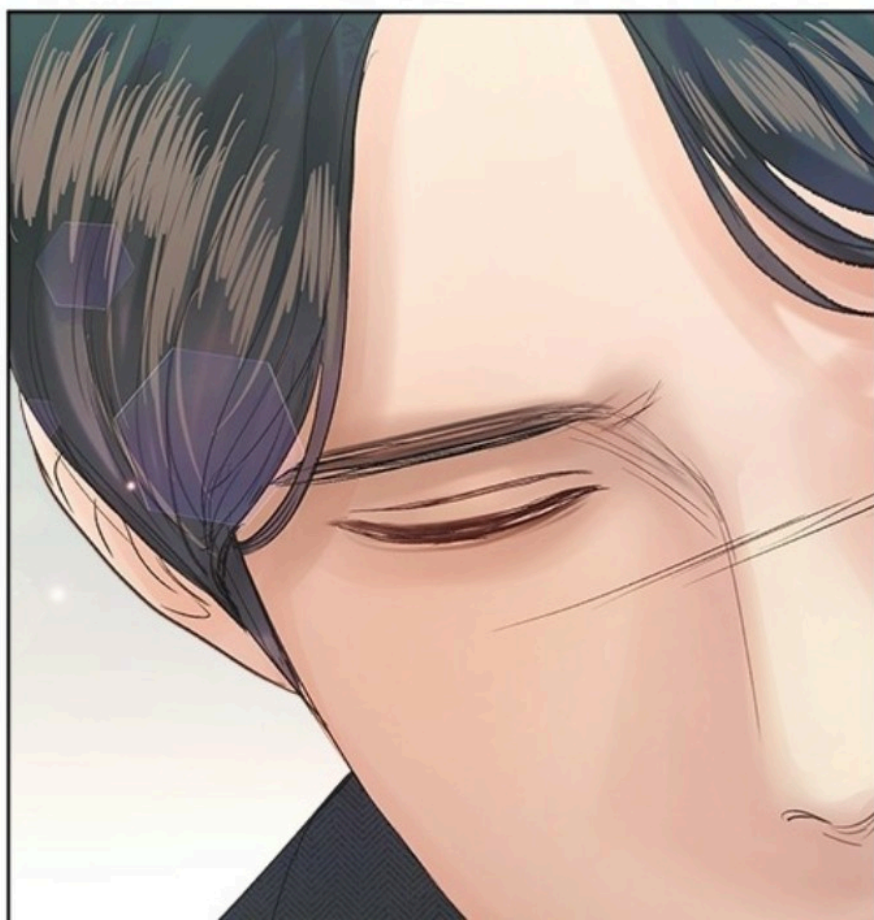
چطور می تونستم؟



من نمی خواستم دلیل درد
کشیدن دیگران باشم

اشکالی نداره.



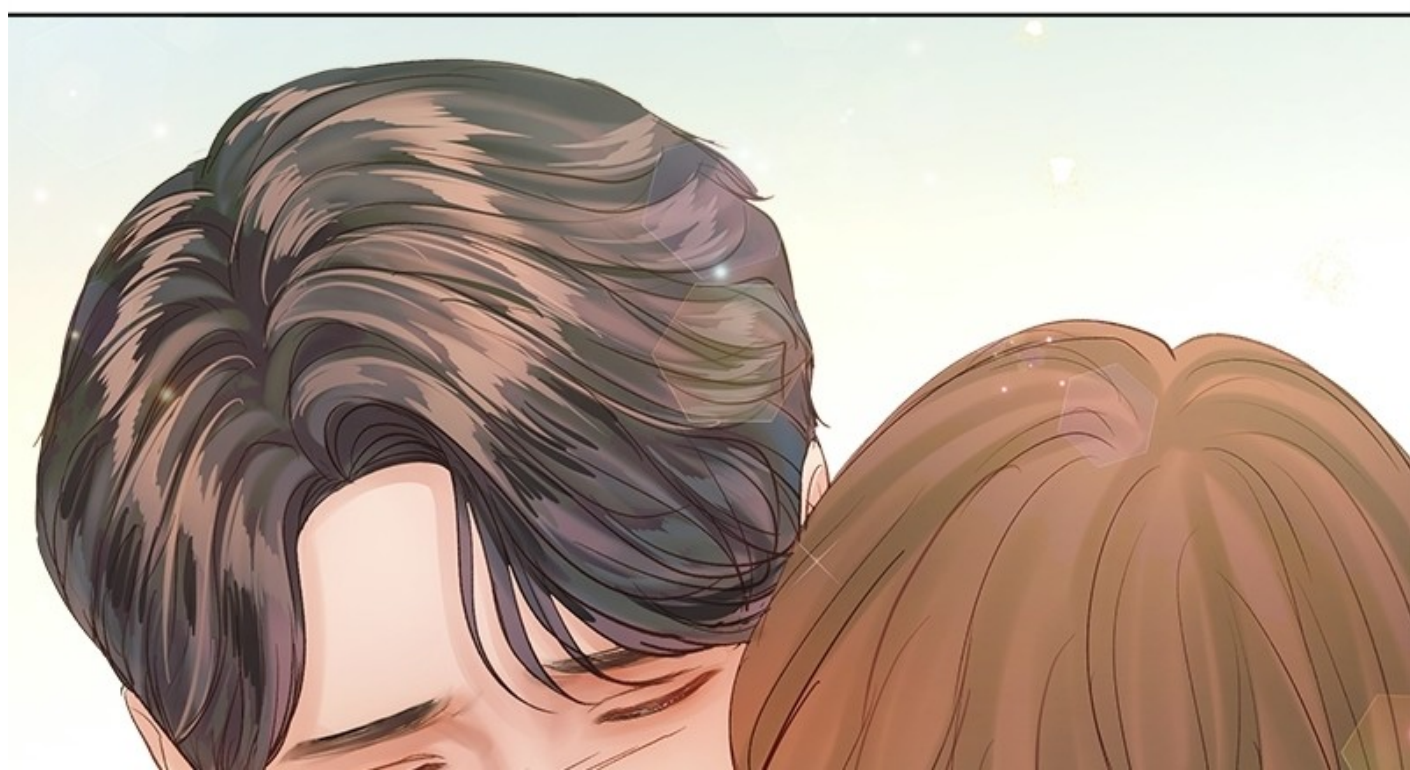


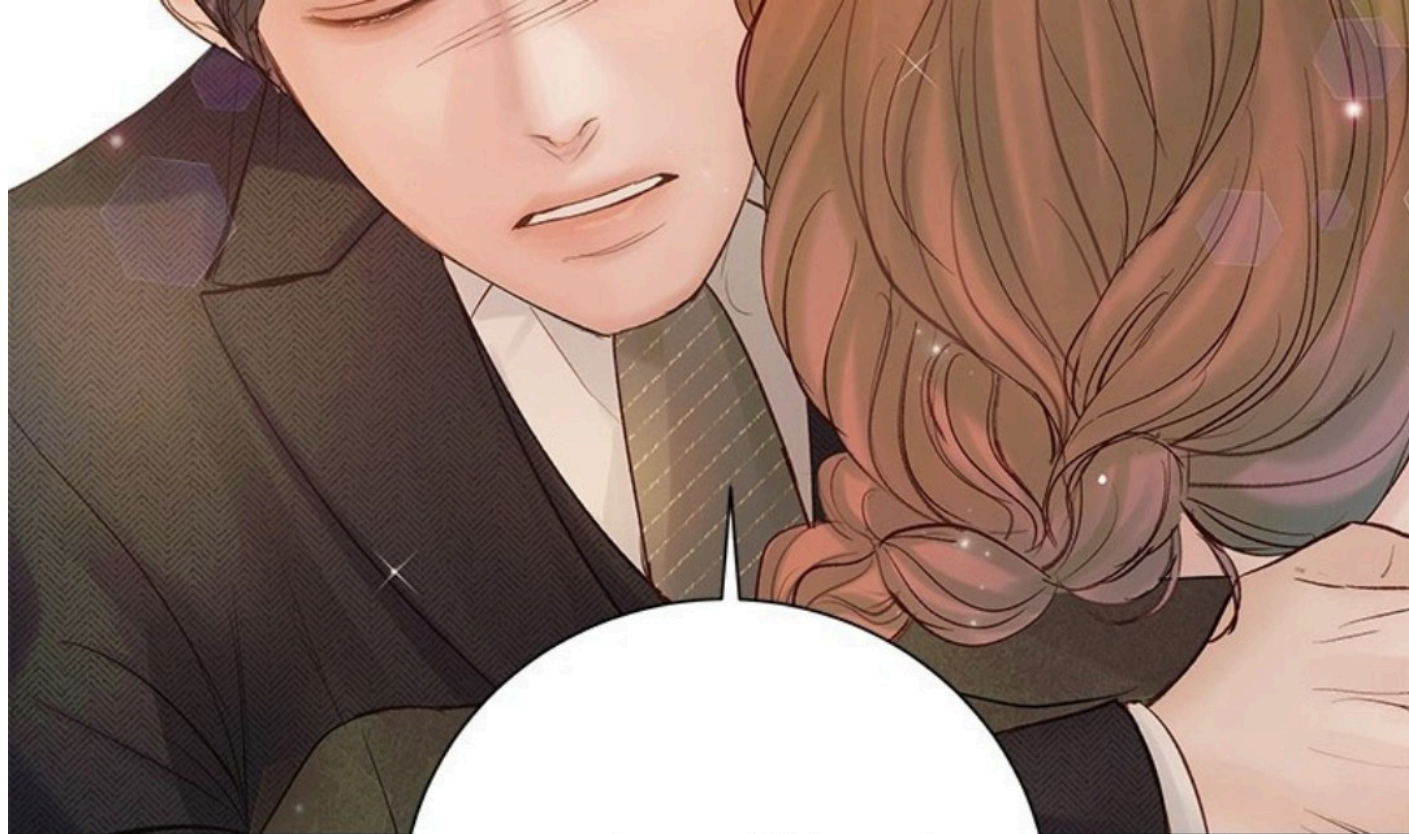


یون وو



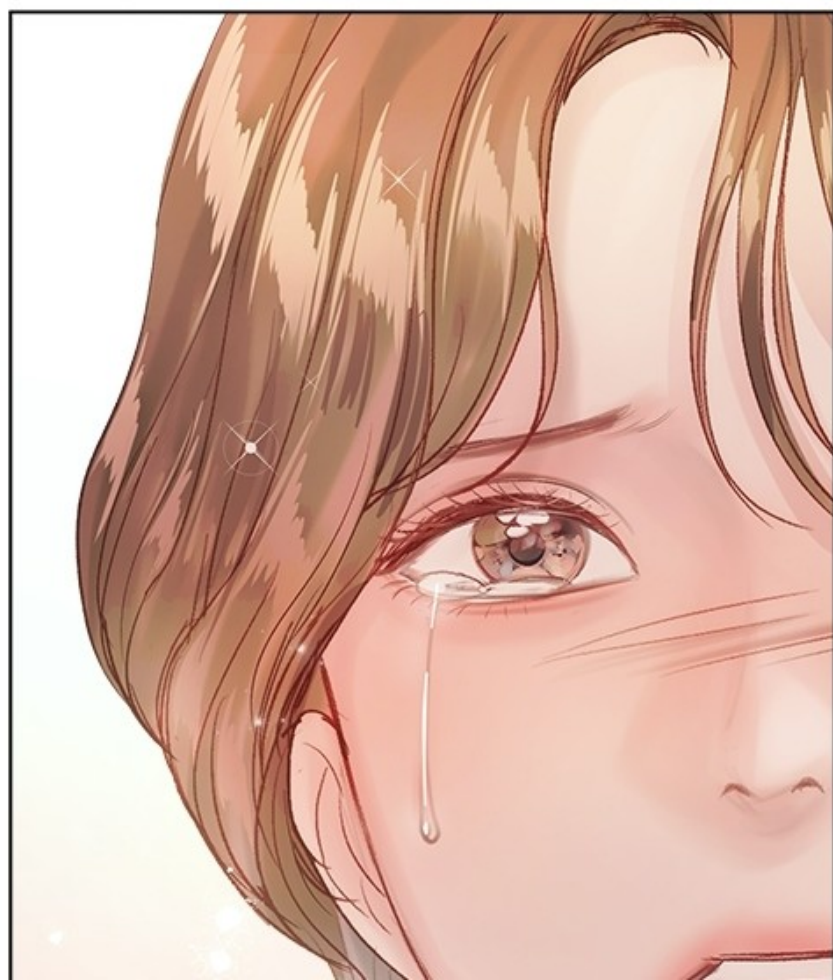
کسایی که دوستت
دارن...





این مشکل رو حل می
کنن، وبه دوست داشتنت
ادامه می دن.







شاید...



دلپلی که باعث شد به
گذشته برگردم...



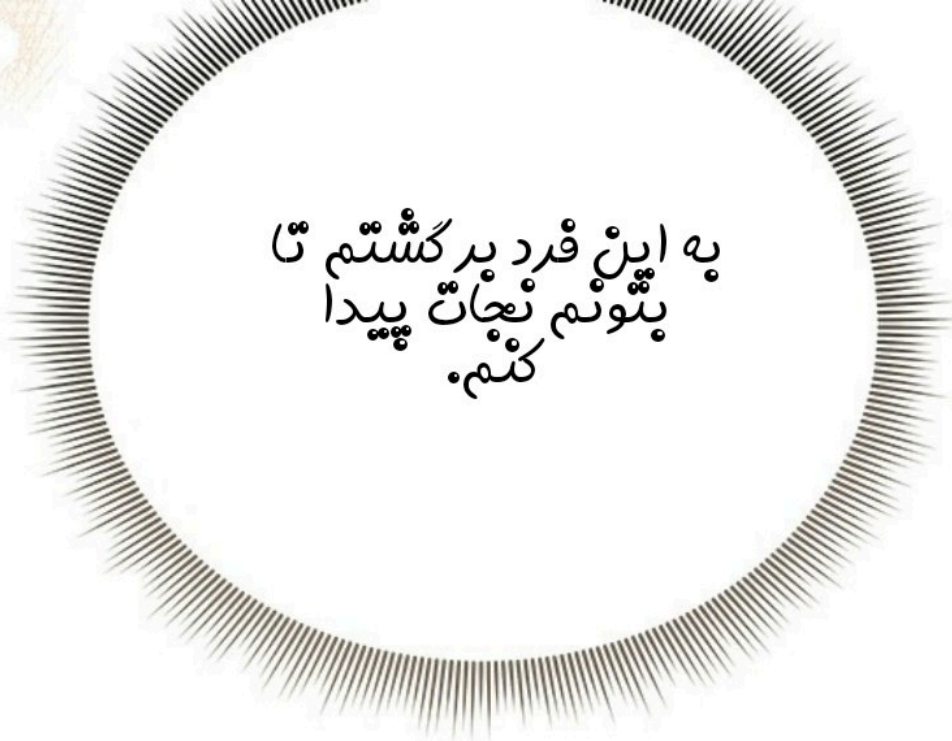


برای نجات اون نبود...



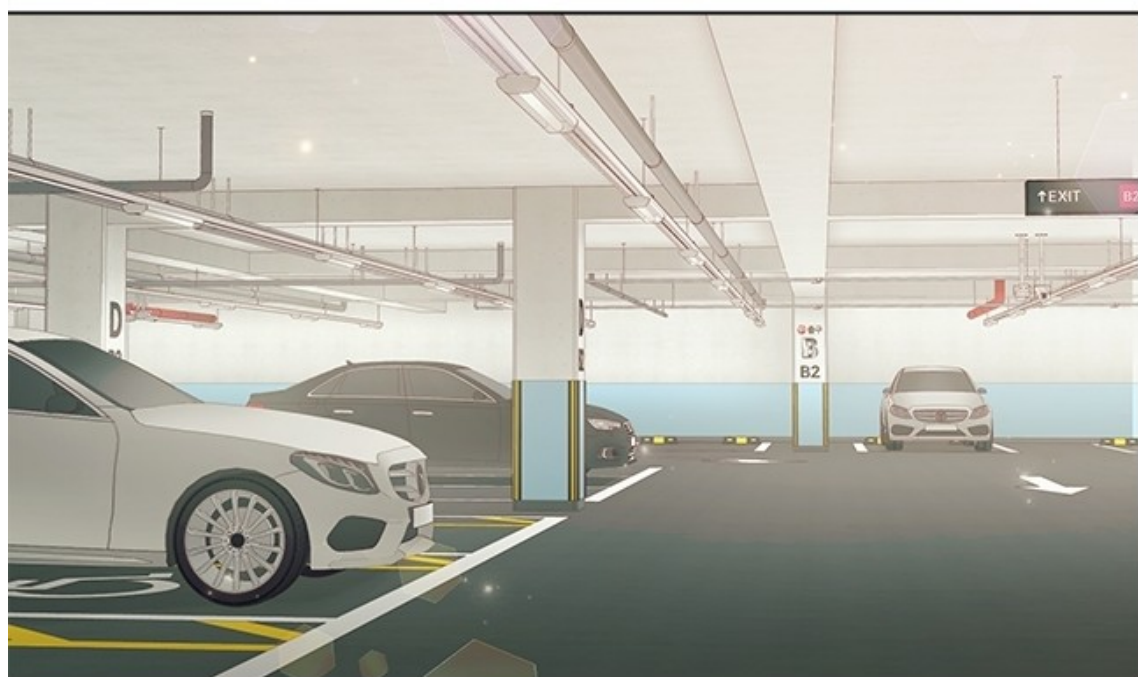
برای این بود که اون
نجاتم بده.





به این فرد برگزیده تا
بتوانم نجات پیدا
کنم.

THERE
MUST BE
HAPPY 
ENDINGS



این هر روز اتفاق نمی
افتاد، اما دوبار توی ماه
بود.

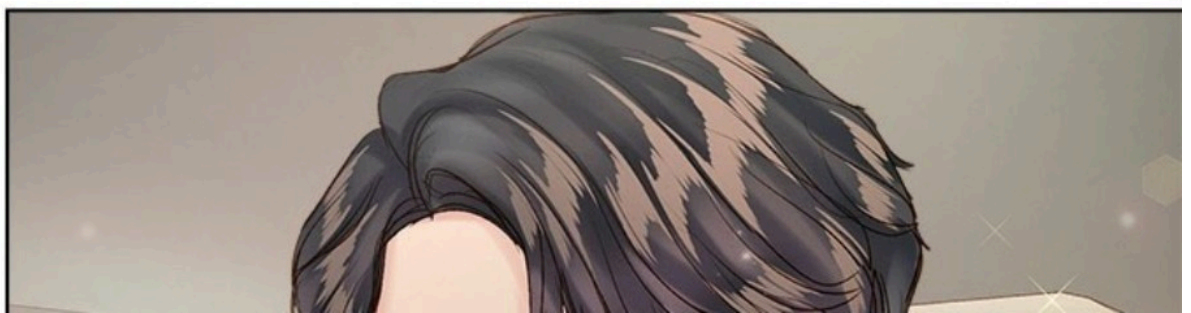


وقتی راهنمایی بودم

خیلی کم پیش میومد.



پدر مادرم باید منو از
جلوی خونه سوار می
کردن.





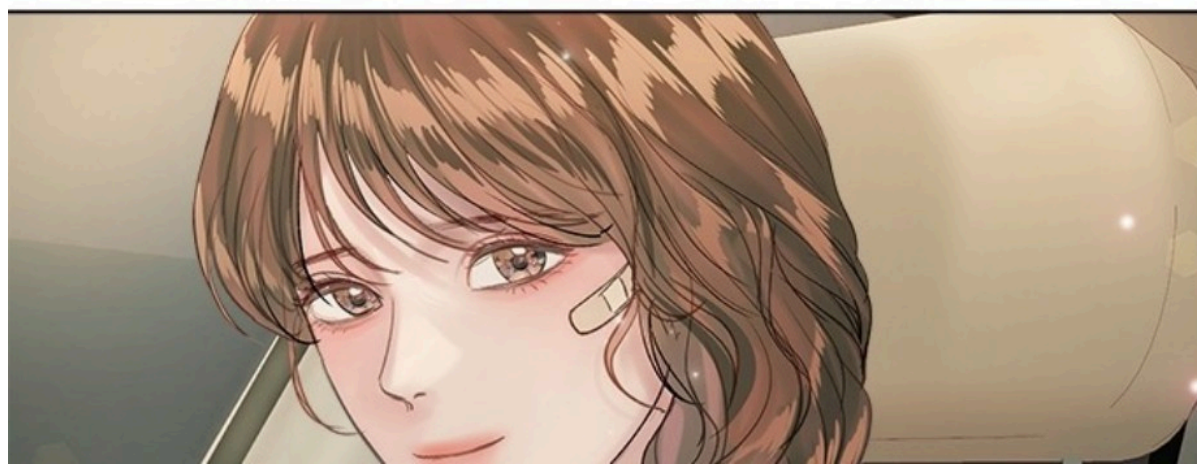
خیلی کم پیش
میومد؟

من هنوز بعضی اوقات
کتنک می خوردم، اما اون
حمله ها مثل قبل بیرحمانه
نبود.



اما این هنوزم یه
تهاجمه

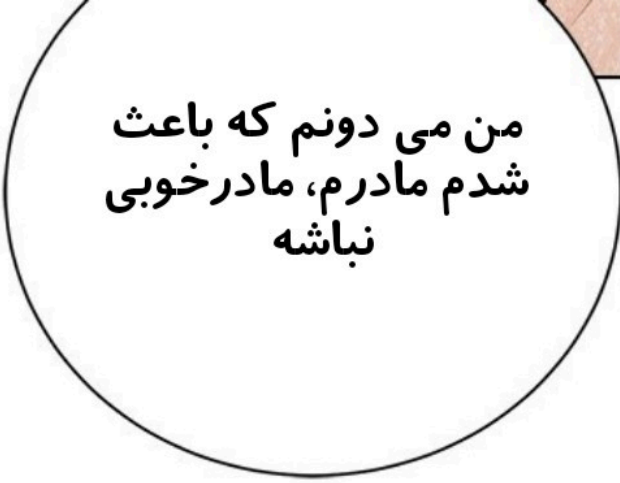
چرا کسی باید دختر
ارزشمند یه خانواده رو
کتک بزنه؟ اون نباید
حتی انگشتش بهت
بخوره





می دونم.





من می دونم که باعث
شدم مادرم، مادر خوبی
نباشه



ولی دلیل اصلیم که نمی
تونستم بهش چیزی بگم
همین بود.



مادر من یه مادر فوق
العاده است، و من خیلی
بهش افتخار میکنم.

این اشتباه از من بود.

این که من حتی بعد از
ازدواجمون هم نتونستم
بهش بگم.

اون موقع ها خیلی
نزدیک نبودیم، و...

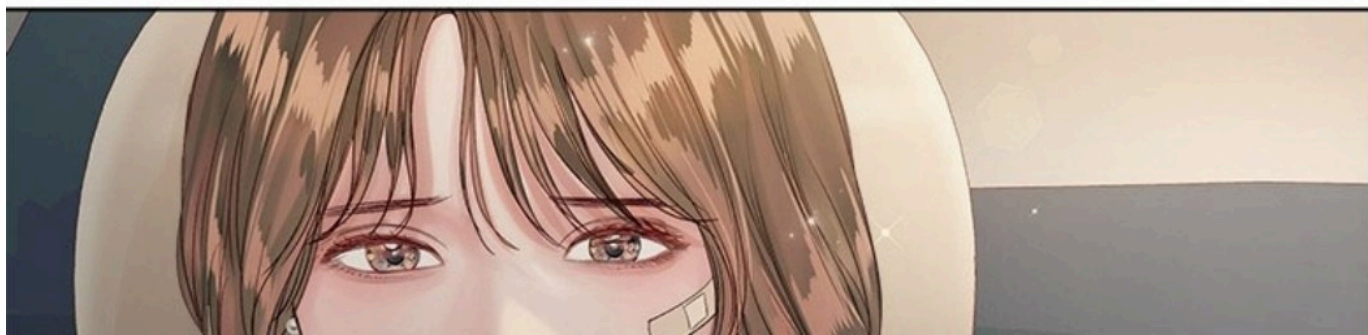




من می ترسیدم که پدر
مادرت در مورد من و
خانواده ام چی فکر می
کنن....

من نمی خواستم اونها
شرمنده بشن، پس من
نمی تونستم چیزی بگم.

اما کاری نیست که بتونم
انجام بدم اونم الان که
خیلی دیر شده.





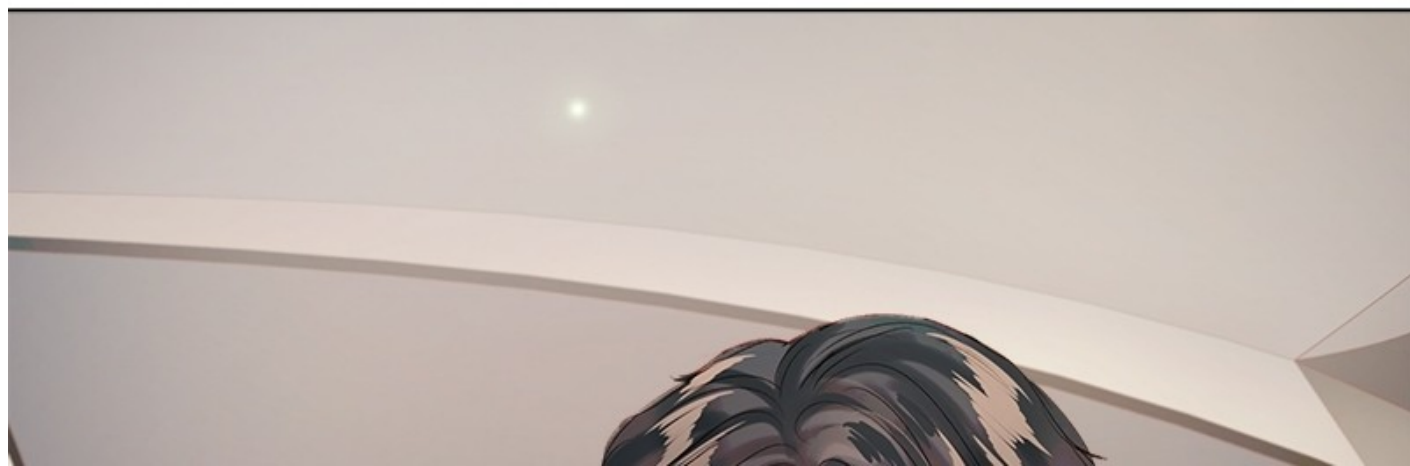


این غیر ممکنه که اون زن
رو تنبیه کنم وقتی که هیچ
مدرکی از کاراش ندارم....

تو می تونی.

چی؟



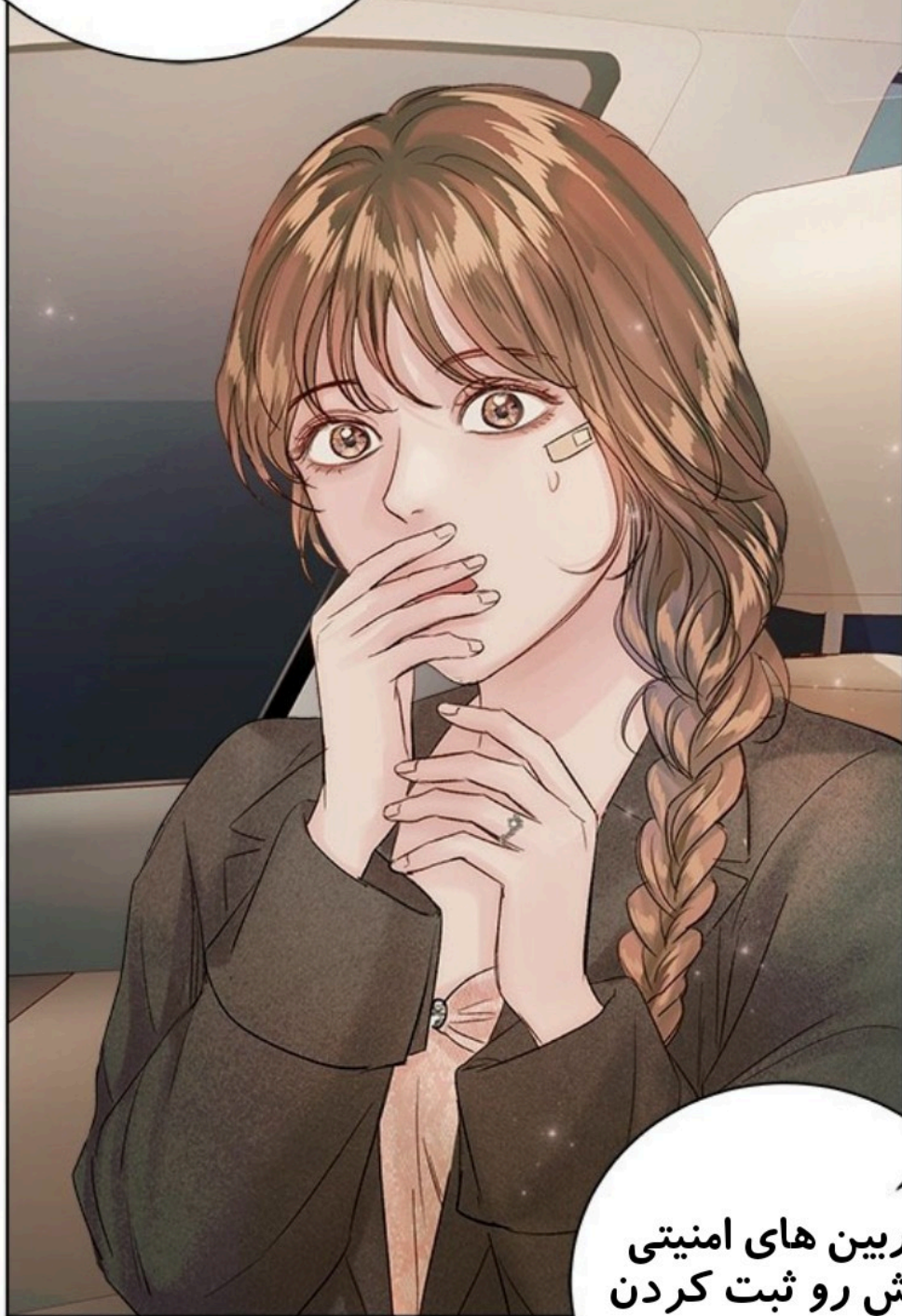




شواهدی برای
کاراش هست.

وقتی که سه سال پیش،

این اتفاق جلوی آسانسور
افتاد.



دوربین های امنیتی
کارش رو ثبت کردن



تو فکر می کنی من
همچین فیلمی رو پاک
کردم؟

تو ازم خواستی یه کلمه
اش هم به بیرون درز
نکنه، پس من هم
بیخیالش شدم، اما من
هنوز نگهش داشتم.



با اون فیلم و شهادت
دادن تو....

به علاوه شهادت سو
جی...

ما یه عالمه مدرک داریم
که به اون زن حمله کنیم.

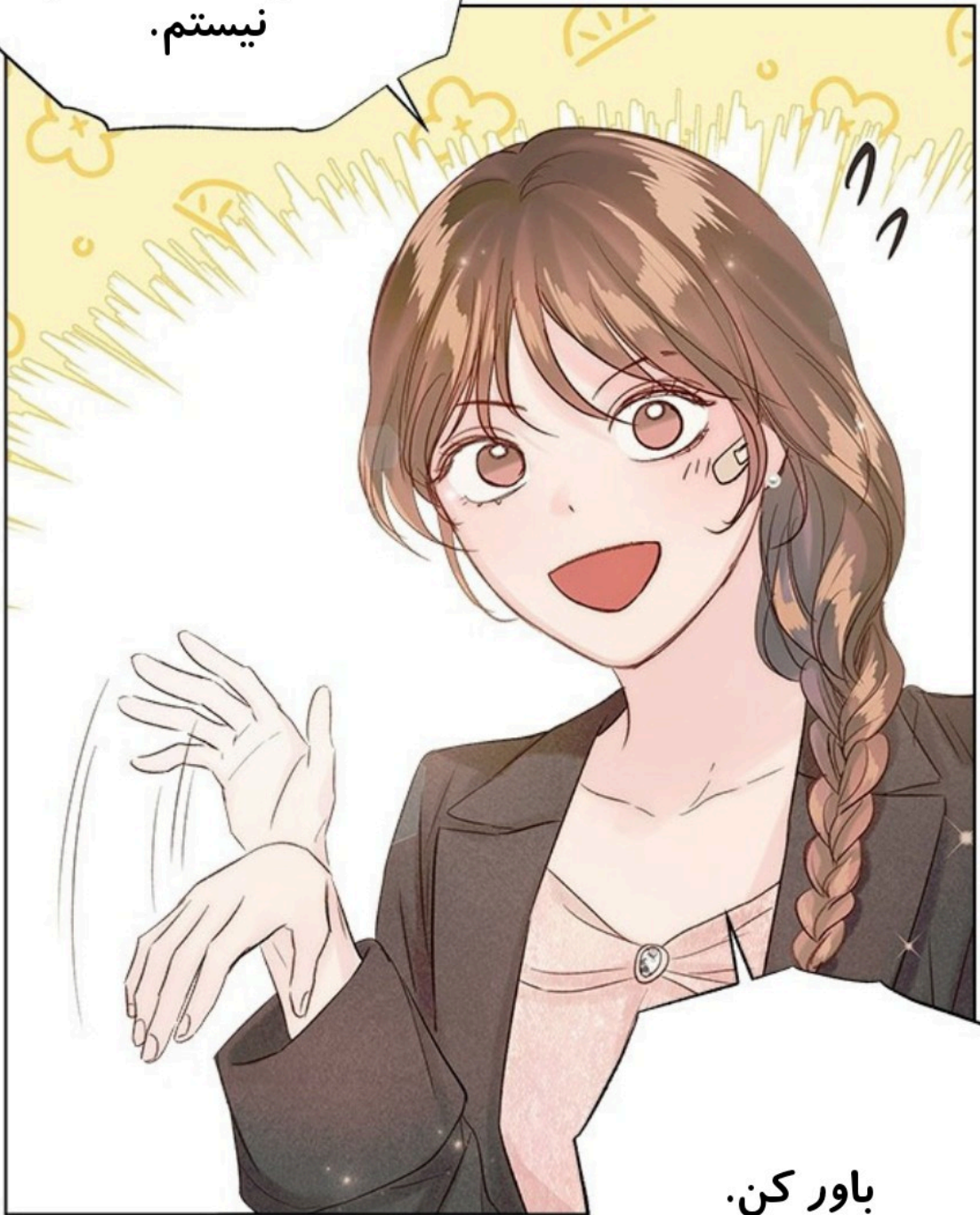


پس به جای اینکه خودت
تنهایی باهاش سرو کله
بزنی و یواشکی گریه کنی،
همه چیز رو به من بگو.



من واقعا از اون آدم های
زر زرو که

همش گريه ميکنن
نيستم.



باور کن.



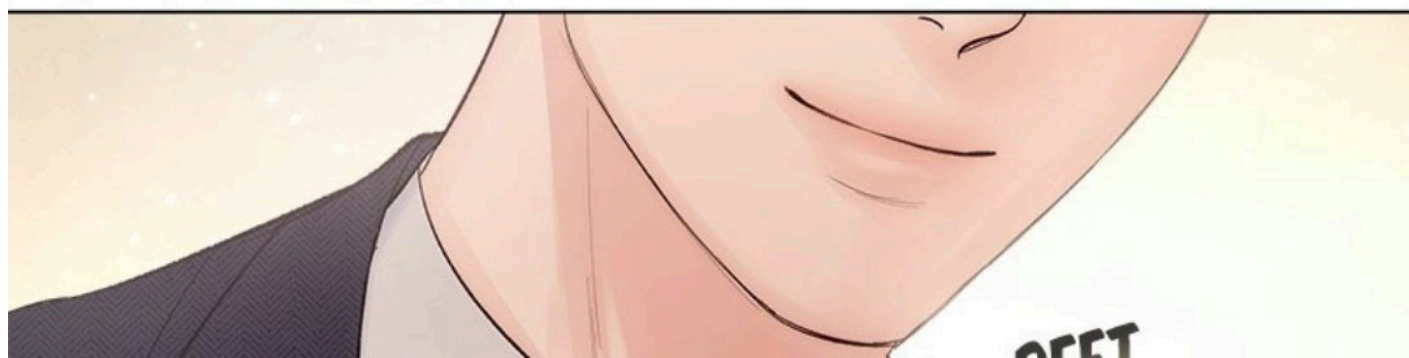
این فقط به خاطر اینه
که، من فقط پیش تو
گریه می کنم.

فقط کنا، من؟



آ، هـ.



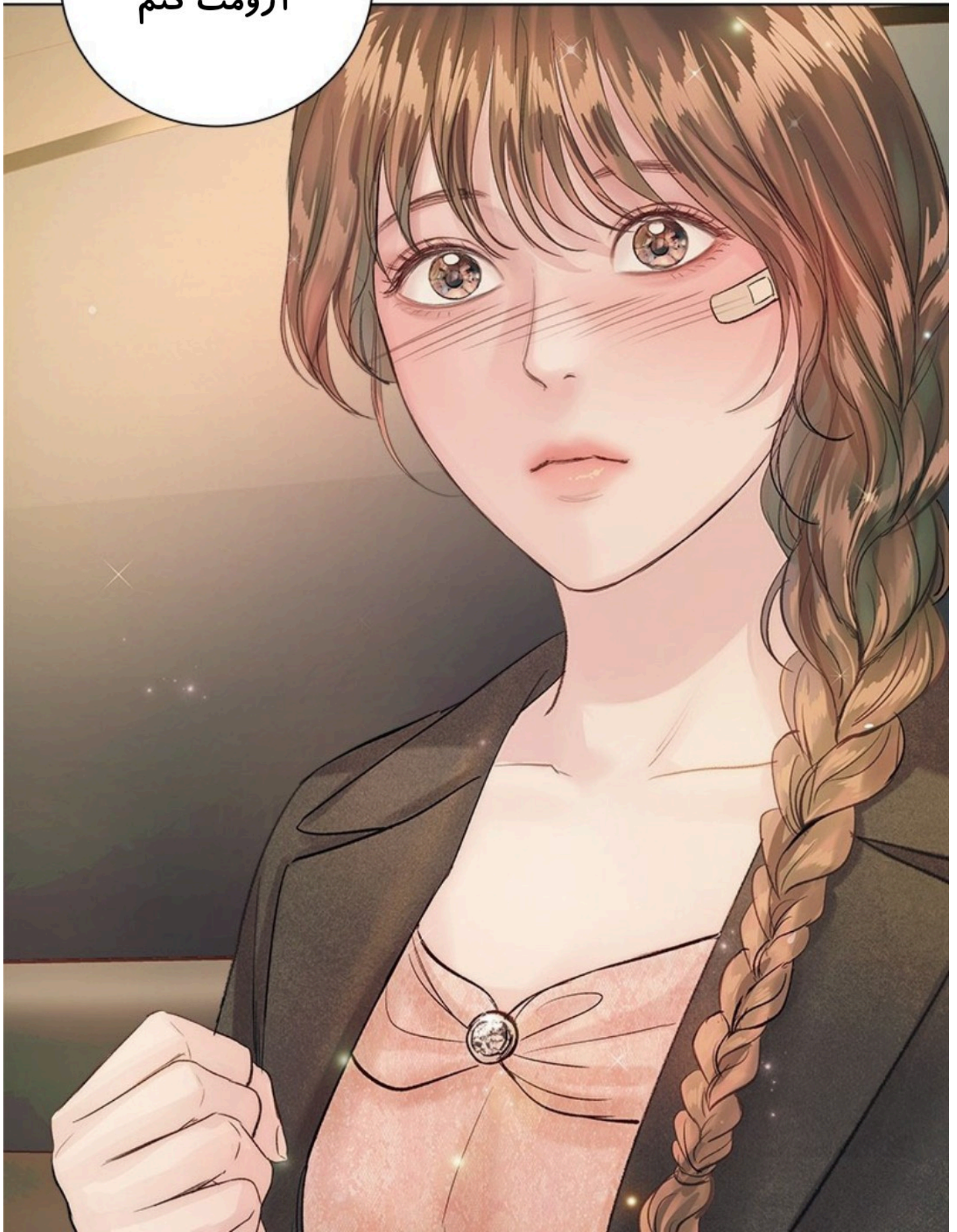


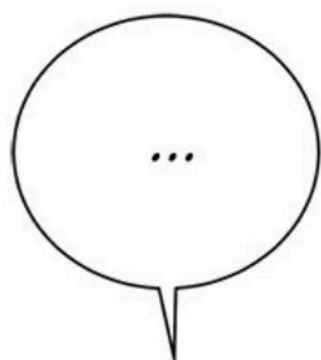


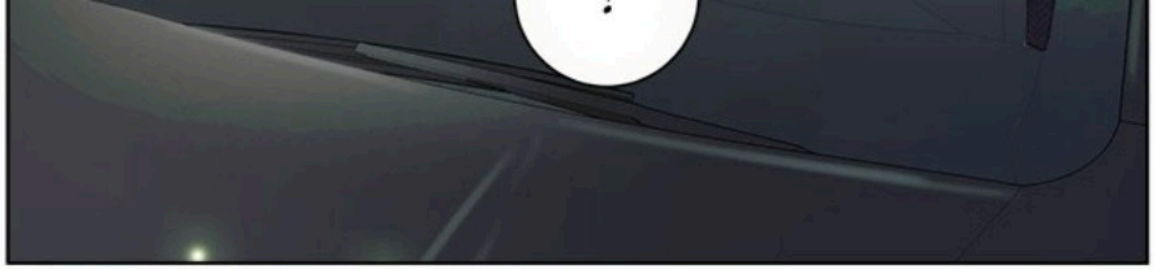


دیگه یواشکی اینکارو
نکن. پیش من گریه کن.

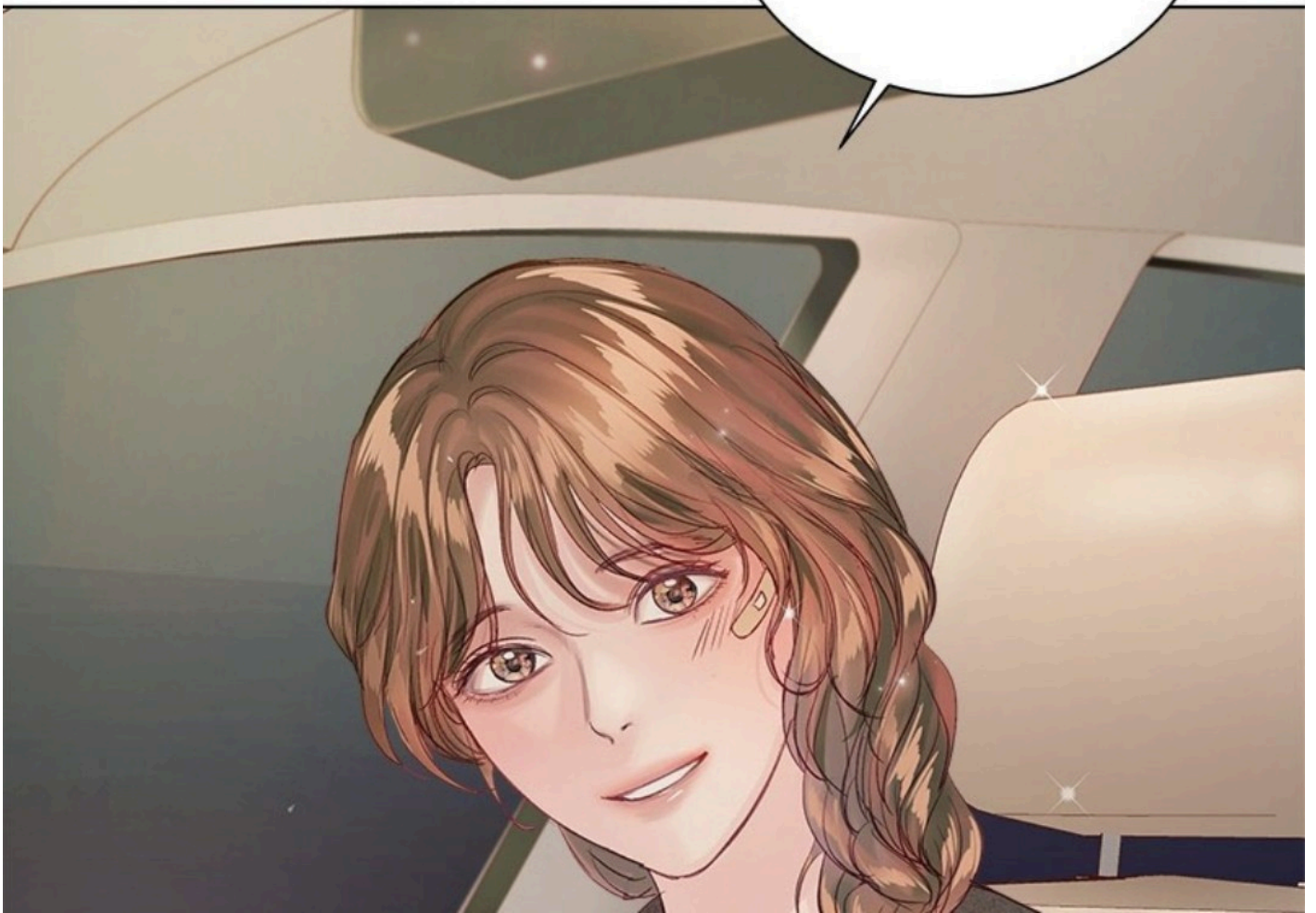
اینطوری میتونم
آرومت کنم





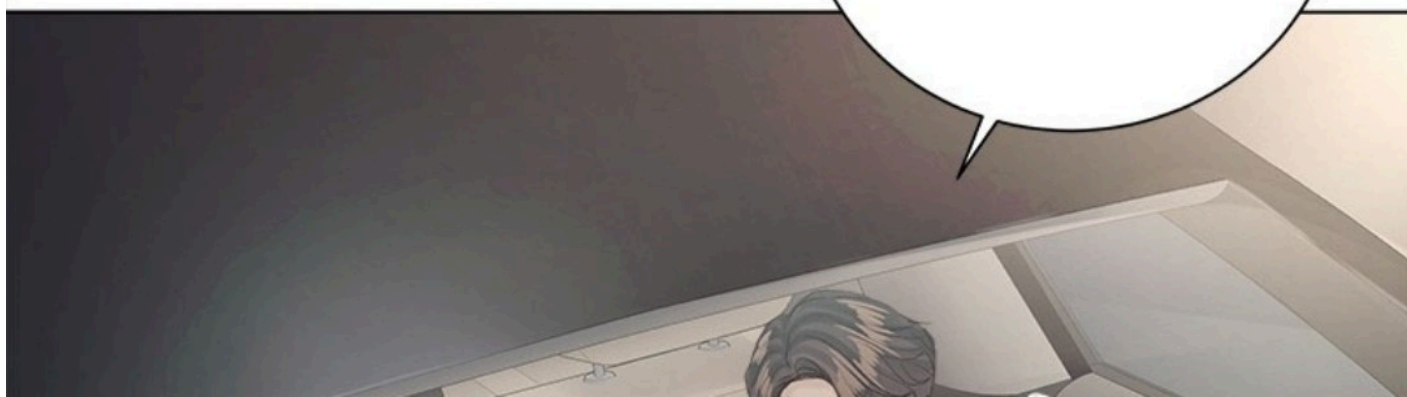


می خوام وقتی احساس
کردی که دوست داری
گریه کنی، این کارو انجام
بدی





اون وقت من هر کاری
می کنم که احساس
بهتری داشته باشی

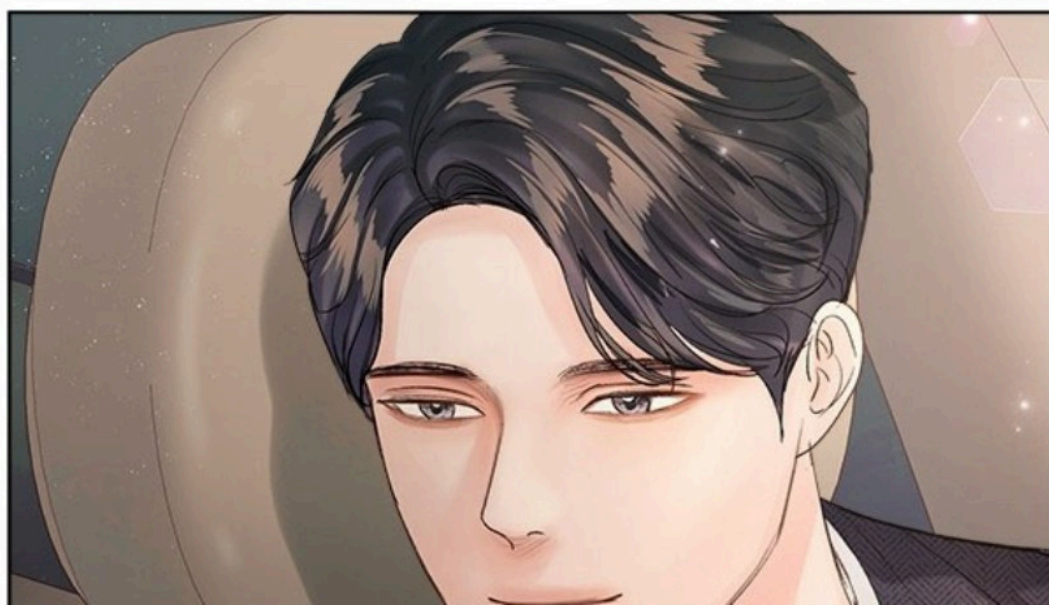


هر کاری؟



الان وقتش نیست که
درباره اون کارها فکر
کنی...

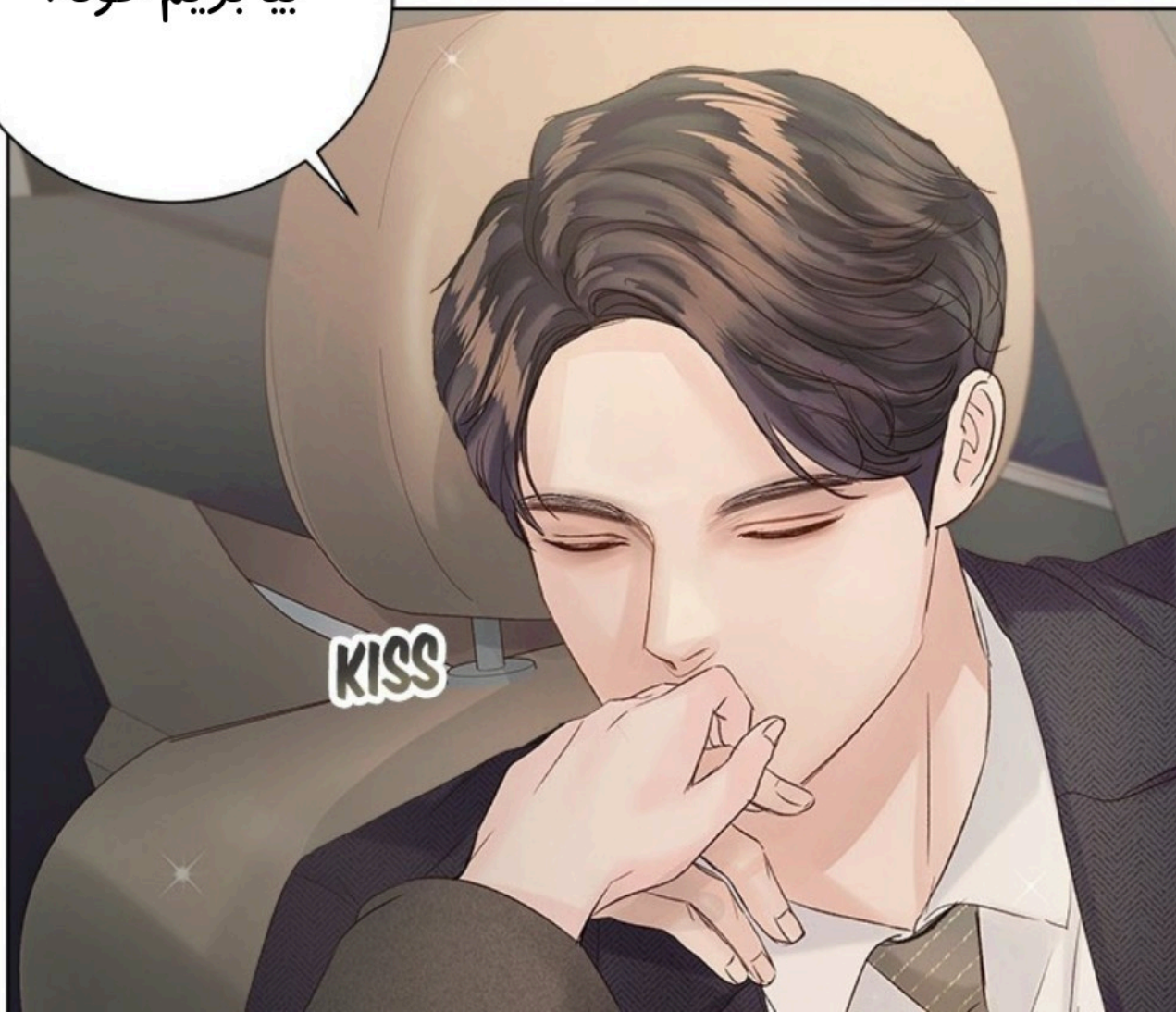
با



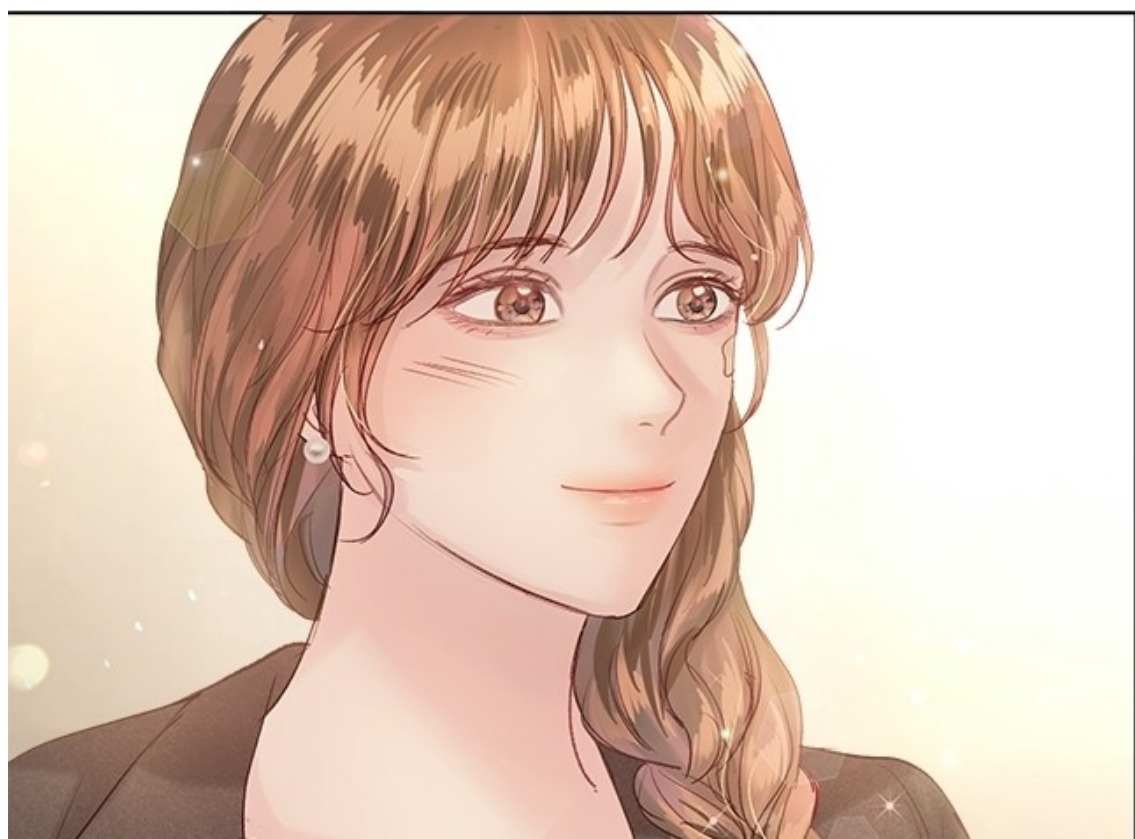




یا بریم خونه.



KISS





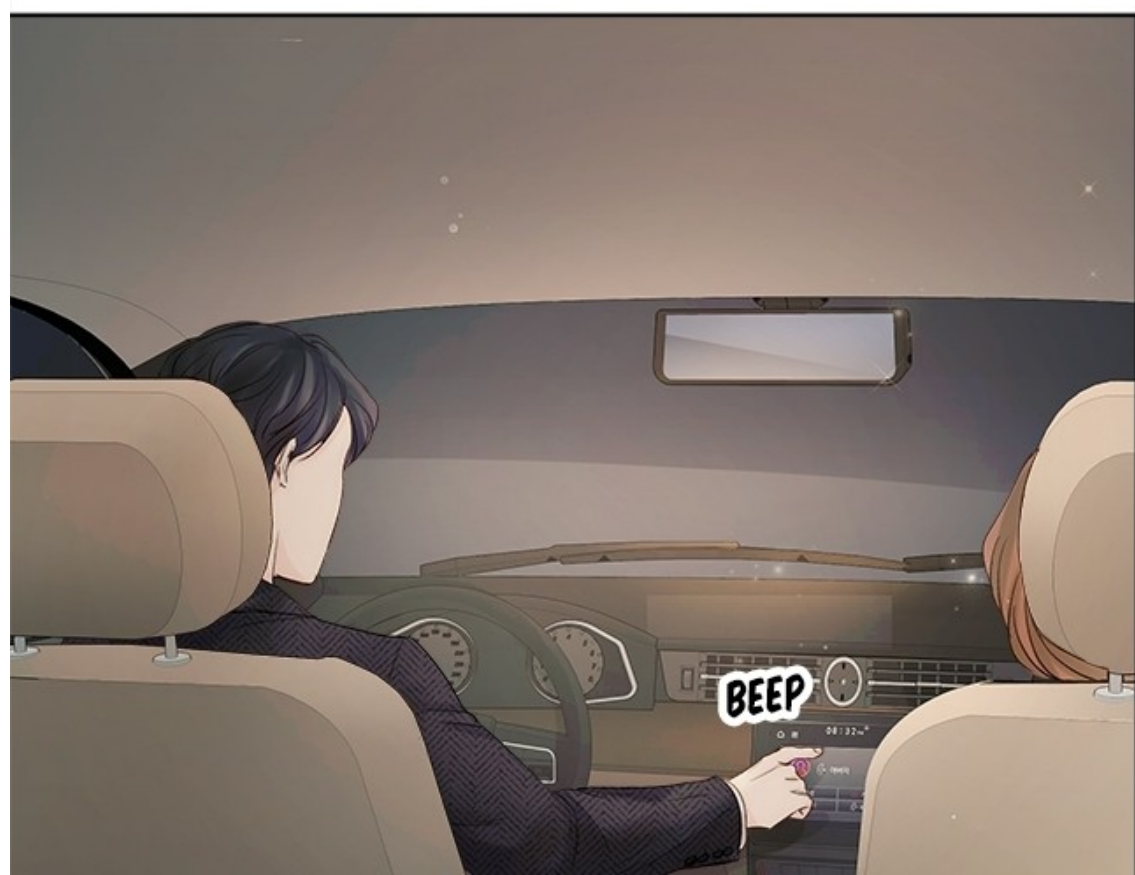


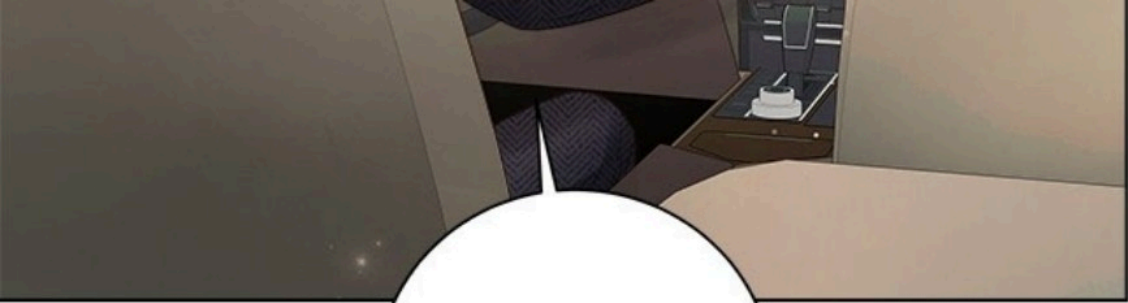
**RING
RING**

08 .

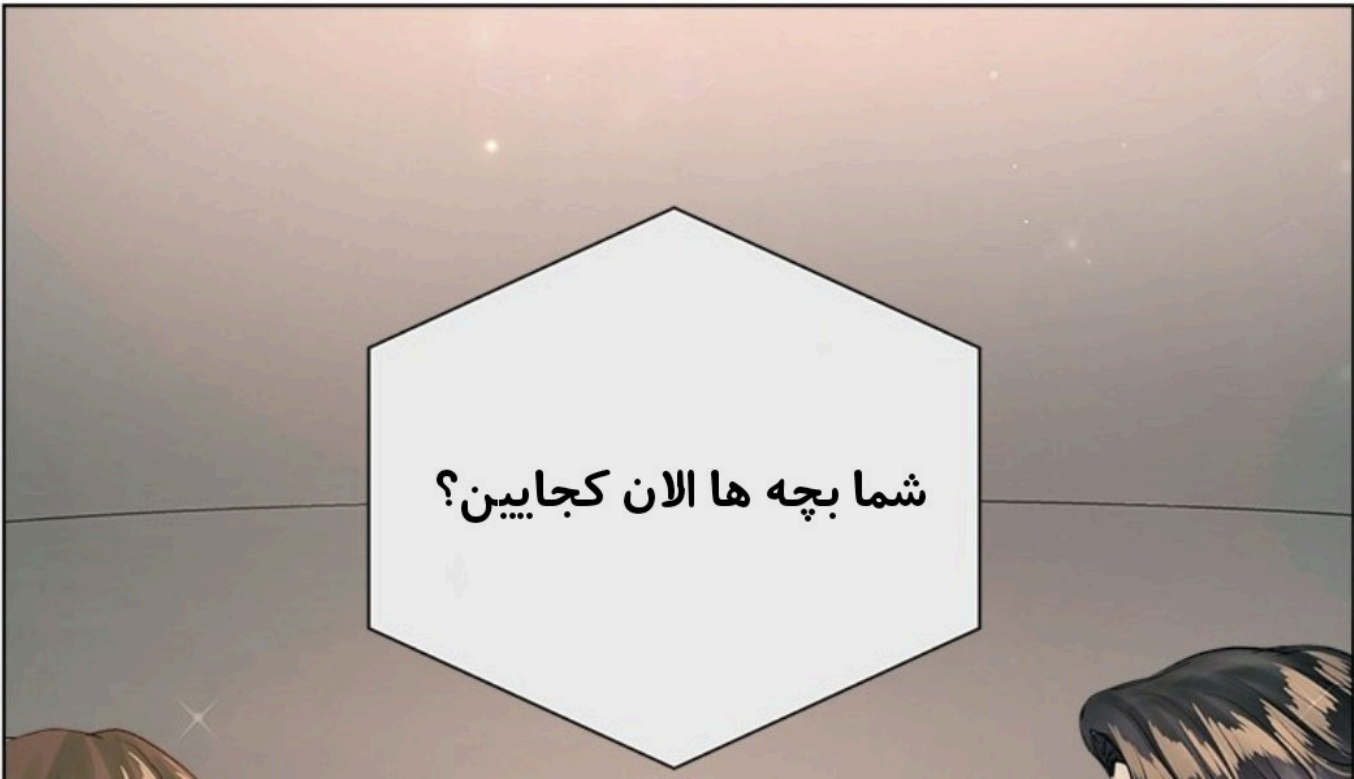


Father



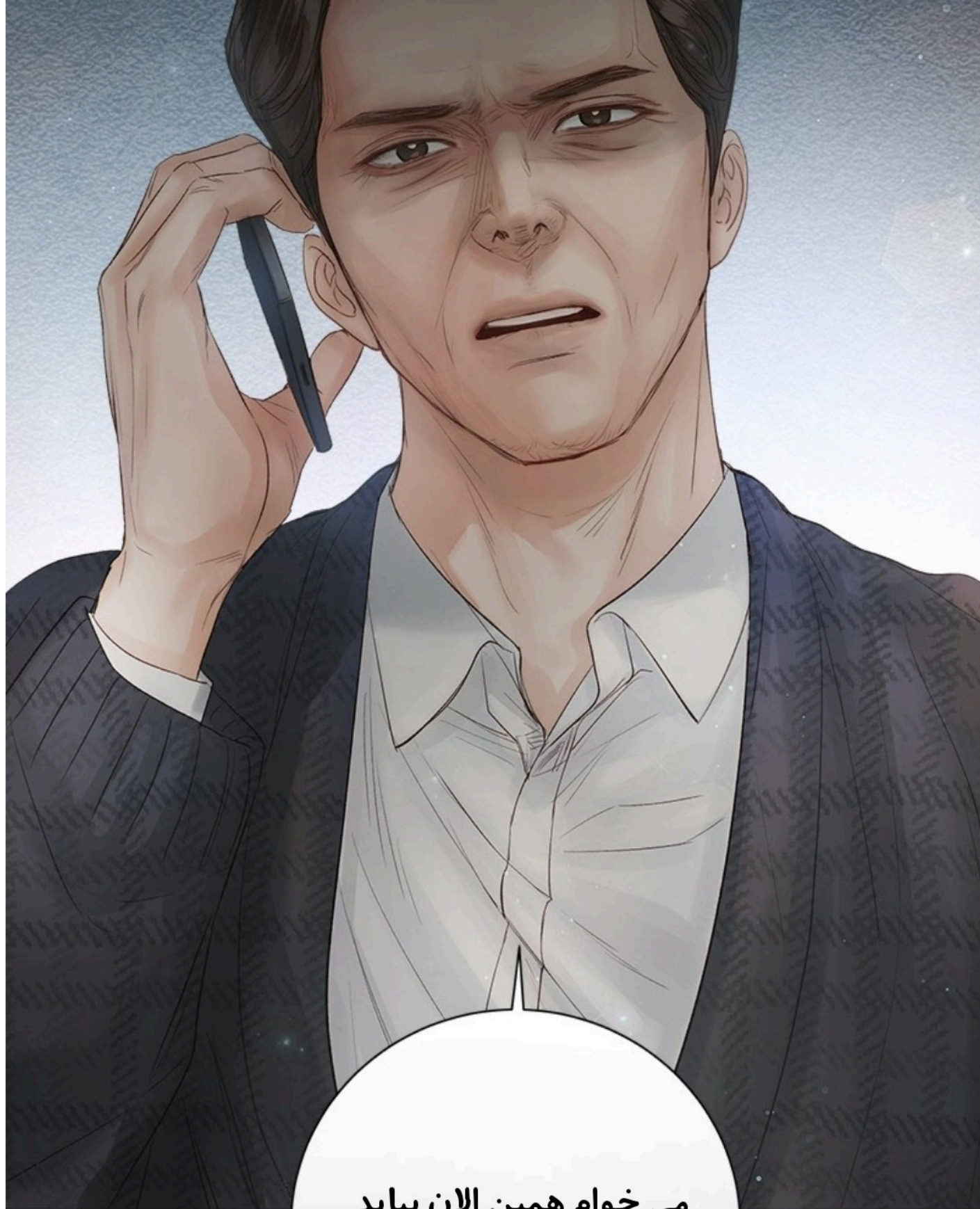


بله، پدر



شما بچه ها الان کجاییں؟





می خوام همین الان بیاید
خونه.



جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره